

ارزیابی انتقادی دیدگاه شحرور درباره گستره دین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

محمدعلی محیطی اردکان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

حمیدرضا سروریان^۲

چکیده

یکی از مسائل مهم در حوزه کلام و فلسفه دین، مسئله گستره دین است. پژوهش حاضر با تحلیل و تبیین زبان و منطق ویژه محمد شحرور در بحث گستره دین، دیدگاه او را در این باره به شیوه توصیفی - تحلیلی و با رویکردی انتقادی بررسی کرده است. بر اساس دیدگاه شحرور، دین گستره‌ای وسیع به پهنه تاریخ بشر دارد که می‌توان آن را اسلام نام نهاد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتم رسولان است و دین او جامع و جاودان است. به صورت کلی از منظر شحرور می‌توان دین را دارای دو بخش «هست و نیست‌ها» و «باید و نبایدها» دانست. این گستره وسیع، محتوای نبوت و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه شحرور آیات مربوط به بخش اول در طول تاریخ و بر اساس قاعده «ثبات نص و حرکت محتوا» با پیشرفت علوم تأویل و فهم می‌شود و به اصطلاح، نبوت به گستردگی تاریخ بشر امتداد دارد. آیات بخش دوم نیز بر اساس اقتضائات زمانه اجتهادپذیرند. از منظری دیگر، شحرور، حوزه سنت را به معنایی ویژه و بسیار محدود در نظر گرفته است. مبانی تصویری و تصدیقی دیدگاه شحرور درباره گستره دین با اشکال‌های جدی روبروست و این دیدگاه پذیرفتنی نیست.

کلید واژه‌ها: قلمرو دین، نبوت، رسالت، قرآن، سنت، شحرور.

^۱. استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره قم (نویسنده مسئول):

hekmatquestion@gmail.com

^۲. دانشیار دانشگاه حضرت معصومه «س»: h.sarvarian@hmu.ac.ir

۱. مقدمه

قلمرو دین از مسائل مهم کلامی است که ذهن اندیشمندان اسلامی را به خود مشغول کرده است. این مسئله به عنوان مبنایی بسیار مهم و سرنوشت ساز در علوم گوناگون قابل طرح است و گاه در طرح و حل مسائل بحث‌برانگیزی مانند اسلامی‌سازی علوم راهگشا و کلیدی است. در این پژوهش، دیدگاه شحرور درباره قلمرو دین به لحاظ موضوعی و گستره زمانی و مکانی آن کانون توجه و بررسی انتقادی است. شحرور با به کارگیری اصطلاحاتی ویژه منظومه فکری خود را بسط داده است و نگاهی تجددگرایانه به دین دارد. به نظر می‌رسد زندگی علمی او تأثیری روشن در طرز تلقی‌اش نسبت به گستره دین و خوانش جدید او از قرآن کریم داشته است. مهمترین اثر او نخستین اثرش با عنوان «الکتاب والقرآن» است و آثار دیگر وی عمدتاً شرح و بسط همین اثر است. تأثیر طبیعیات و ریاضیات در اندیشه‌های وی مشهود است.

بررسی‌های نویسنده درباره پیشینه بحث نشان می‌دهد هر چند درباره اندیشه‌های شحرور پژوهش‌های ارزشمندی به زبان‌های گوناگون از جمله به زبان فارسی در قالب پایان نامه و مقاله صورت پذیرفته است؛ اما هیچکدام به صورت مستقل گستره دین را از منظر شحرور بررسی نکرده‌اند. مسئله گستره دین نه تنها در آثار شحرور، بلکه در آثار اندیشمندان معاصر جهان عرب به ندرت به صورت بحثی مستقل و جامع مطرح شده است. دیدگاه شحرور در این مسئله را باید از فحوای آثار وی به دست آورد. بدین‌سان، پژوهش حاضر با تتبع گسترده در مجموعه آثار شحرور سامان یافته است و به لحاظ ساختار و نیز تحلیل انتقادی این مبنای دین‌شناختی در نظام فکری شحرور اثری نو به حساب می‌آید. گفتنی است از آنجا که چینه‌شناسی بحث بر اساس ساختار متعارف در مباحث کلامی، در فهم سازوکاری اندیشه‌های شحرور در موضوع مورد بحث خلل وارد خواهد کرد، پژوهش حاضر به لحاظ ساختاری به گونه‌ای متفاوت تنظیم و سازمان‌دهی شده است.

۲. اصطلاح‌شناسی دیدگاه شحرور

لزوم پرهیز از مغالطاتی مانند اشتراک لفظی در پژوهش امری اجتناب‌ناپذیر است؛ بنا بر این،

تعریف مفاهیم بحث ضروری است، به ویژه در پژوهش‌هایی مانند تحقیق حاضر که اصطلاحات با مفاهیم جدید به کار رفته است و فهم نظریه مبتنی بر فهم درست و دقیق آنهاست. آشنایی با اصطلاحاتی که شحرور در آثارش به کار برده است برای فهم همه اندیشه‌های او از جمله موضوع مورد بحث ضروری است. با توجه به در هم تنیدگی نظریات شحرور با اصطلاح‌شناسی او، برای پرهیز از تکرار مباحث می‌کوشیم بحث‌های مربوط به گستره دین را همراه با توضیح مفاهیم مرتبط ارائه دهیم.

۲.۱. معنای دین

به گفته شحرور، دین از ریشه «دی ن» به معنای اطاعت و فرمانبرداری است. وجه تسمیه مدینه نیز آن است که در آن از فرماندار فرمانروی می‌شود (شحرور، بی‌تا، ص ۷۱۶).

۲.۲. معنای اسلام

به گفته او، اسلام در اصل به معنای سلامتی و عافیت است. بدین‌سان، اسلام همان تسلیم بودن است و دین اسلامی دین خالص و خالی از نقایص و عیوب است. چنین دینی سهل‌الانقیاد است و هیچ مانعی -از قبیل تحجر، زمان‌مندی و مکان‌بندی- برای پایبندی مردم به آن وجود ندارد (همان: ۷۱۷).

شحرور با استناد به آیات قرآن (بقره: ۶۲ و ۱۳۳؛ یونس: ۹۰؛ آل عمران: ۵۲؛ انبیاء: ۱۰۸) همه کسانی که به خدا، پیامبر و معاد ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند را مسلمان می‌داند. (شحرور، ۱۹۹۶م: ۵۴) به گفته شحرور، آیه ۶۲ سوره بقره بر همه ادیان، خواه آسمانی و یا غیر آسمانی منطبق است؛ زیرا همگی در شرط اساسی ایمان به خدا، روز قیامت و عمل صالح مشترکند. منظور از صابئان، اهل حران در شمال شرق سوریه نیست، بلکه منظور کسانی هستند که هر چند پیرو یکی از سه دین آسمانی اسلام، مسیحیت و یهودیت نیستند؛ اما به خدا و معاد ایمان دارند (شحرور، بی‌تا: ۷۲۱-۷۲۲).

از نظر شحرور هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و عمل صالح انجام دهد مسلمان است و در صدق عنوان مسلمانی بر او، تفاوتی میان پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و مسیحیان

و غیر آنان از سایر ملت‌ها وجود ندارد. (شحرور، ۲۰۱۶م: ۲۰)

شحرور به جهان‌شمول بودن اسلام - به معنایی که تبیین شد - باور دارد (شحرور، ۱۹۹۶م: ۲۳) به اعتقاد او لقب مؤمن در تنزیل حکیم به پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله اختصاص دارد (شحرور، ۱۹۹۶م: ۳۸)؛ بنا بر این، اسلام اعم از ایمان است؛ اسلام، دین عام انسانی برای همه اهل زمین در همه زمان‌هاست (شحرور، ۱۹۹۶م: ۵۵؛ شحرور، بی‌تا: ۵۴۸).

دین اسلام به این معنا همان دین فطری است (روم: ۳۰) و به همین دلیل، به اعتقاد شحرور چنین دینی نیازمند رسول یا نبی نیست (شحرور، ۱۹۹۶م: ۱۱۳).

۲.۳. معنای دین اسلام

در واقع، دین در معنای اسلامی‌اش همان است که انسان با آن از سرزمین حیوانیت خارج شده، فرمانبرداری‌اش بر او لازم است؛ البته دین تنها در بردارنده عبادات نیست؛ بلکه در پرتو نبوت، قوانین وجود را در بردارد و در پرتو رسالت، تشریح را شامل می‌شود (شحرور، بی‌تا: ۷۱۷).

۲.۴. معنای کتاب

این اصطلاح در دو معنای عام و خاص کاربرد قرآنی دارد: (سایت رسمی محمد شحرور، ۱۴ تیر ۱۳۹۹).

الف) معنای عام: مجموعه آیات و سوره‌هایی که بر پیامبر اسلام وحی شده است و از ابتدای سوره فاتحه شروع شده و به سوره ناس ختم می‌شود. اصطلاح مزبور مرادف «تنزیل حکیم» در آیه ۱۷۶ سوره بقره است و سه بخش «نبوت»، «رسالت» و «تفصیل کتاب» را در بر می‌گیرد. نبوت و رسالت در ضمن مقام‌های پیامبر توضیح داده می‌شود و در اینجا تنها به این نکته اشاره می‌شود که منظور از تفصیل کتاب آن دسته از آیات است که به منزله فهرست «تنزیل حکیم» به شمار می‌رود. این بخش از کتاب نه از آیات رسالت به حساب می‌آید، نه از آیات نبوت.

ب) معنای خاص: کتاب در این کاربرد فقط آیات رسالت یعنی تشریح را در بر دارد و بر اساس این معناست که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان اهل کتاب نامیده می‌شوند (بقره: ۵۳؛ آل عمران: ۴۸).

۲.۵. معنای قرآن

منظور شحرور از این اصطلاح معنای متعارف آن نیست. از نظر او قرآن همان محتوای نبوت و بیانگر آن است و به همین دلیل در آیه ۱۱۱ سوره توبه در کنار تورات و انجیل آمده است. بر اساس این اصطلاح، قرآن در بردارنده قوانین هستی حاکم بر انسان و طبیعت، تاریخ و جوامع است؛ توضیح آنکه، بر اساس اصطلاح‌شناسی شحرور، قرآن از فعل «قرن» آمده است، زیرا قرآن قانون عام هستی را با قانون خاص هستی در خط پیشرفت سیر تاریخ انسانی همراه کرده است (سایت رسمی محمد شحرور، ۱۴ تیر ۱۳۹۹). قرآن بیانگر حقایق عینی است، خواه کسی آن را بپذیرد یا خیر؛ به عبارت دیگر، این حقیقت عینی خارج از ظرف آگاهی انسان واقعیت دارد و انسان می‌تواند با کاوش علمی در حوزه‌های گوناگون معرفتی مانند فلسفه، جهان‌شناسی، فیزیک، شیمی و ... به قوانین هستی پی ببرد و آنها را کشف کند؛ به همین دلیل قرآن برای همگان حجت است (شحرور، بی‌تا، ص ۱۰۳).

توجه به «مقام‌های سه‌گانه پیامبر» از نگاه شحرور می‌تواند به عنوان یکی از مبادی تصدیقی دیدگاه وی در مسئله گستره دین حائز اهمیت باشد. از این رو، بحث را با توضیح مقام‌های مزبور پی می‌گیریم.

۲.۶. مقام‌های سه‌گانه پیامبر صلی الله علیه و آله

از نظر شحرور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داری سه مقام است که هر مقام آثار ویژه خود را دارد. شحرور با استناد به گفتار خداوند متعال (احزاب: ۴۰) برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله سه مقام رجلیت، نبوت و رسالت قائل است (العظمه و همکاران، ۱۹۹۵م: ۶۱).

۳. تبیین گستره دین از منظر شحرور

به صورت کلی می‌توان با توجه به اندیشه شحرور، محتوای دین را دو بخش کتاب و سنت دانست؛ اما او بیشتر بر کتاب تأکید کرده، رویکردی حداقلی نسبت به سنت دارد.

۳،۱. گستره دین در مقام رجلیت

در مقام اول که مقام «محمد رجل» است، او همانند سایر انسان‌هاست و از این جهت هیچ گونه برتری نسبت به سایر انسان‌ها ندارد. این مقام مربوط به زندگی شخصی پیامبر است. به گفته شحرور با توجه به آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...» (کهف: ۱۱۰) پیامبر اسلام مانند هر انسان دیگر، رفتارهای طبیعی بشری دارد؛ رفتارهایی که ارتباطی با دین و وحی ندارند؛ بلکه در چارچوب تکوینی و طبیعی ویژه انسان قرار دارد و با عرفیات و رسوم جامعه زمانه خود مرتبط است (شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۴).

روشن است که با این توصیف، نمی‌توان به سنت نبوی در مقام رجلیت استناد کرد و آن را معتبر و در حوزه دین دانست.

۳،۲. گستره دین در مقام نبوت

به باور شحرور خبرهای غیبی‌ای که خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وحی کرده است موجب نبی شدن پیامبر اسلام شده است و به جهت نسبت داشتن او با خیر دادن از غیب، نبی نامیده شده است (شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۶).

به گفته او، سبع مثانی -حروف مقطعه- و قرآن محتوای نبوت را شکل داده‌اند و قرآن دربردارنده اقسام سه گانه غیب، یعنی غیب گذشته، غیب حاضر و غیب آینده است و قوانین هستی را بیان می‌کند. (شحرور، ۲۰۰۸م: ۴۵؛ شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۳-۸۴) از دیدگاه شحرور محتوای این مقام، کلمات الله در عالم هستی یعنی وجود عینی و خارجی اشیاء و پدیده‌هاست که خارج از ظرف آگاهی انسان تحقق دارد. به همین دلیل، هر چه مراکز علمی و تخصص‌ها بیشتر شود فهم مردم نسبت به قرآن نیز بیشتر خواهد شد. البته این شرایط در زمان پیامبر فراهم نشد و آنگونه که شحرور می‌گوید، بر اساس آیه ۳۰ سوره فرقان، این گونه، قرآن حتی در میان صحابه از جمله حضرت علی (علیه السلام) مهجور ماند! (شحرور، بی‌تا: ۱۲۹)

از دیدگاه شحرور، نبوت در تمام زمان‌ها استقرار دارد. گواه وی برای این سخن، آیه «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (انعام: ۶۷) است. در نتیجه، تکامل معرفت انسانی با نبوت در ارتباط است، زیرا محتوای نبوت به تدریج توسط مردم هر عصر مورد تفکر و تأمل قرار گرفته و معنای آن آشکار شده و به تعبیر شحرور، تأویل حسی که قوی‌ترین نوع تأویل است صورت می‌پذیرد

(شحرور، بی تا: ۱۹۳).

بر این اساس، کارکرد مقام نبوت رساندن خبرهای غیبی تکوینی و تاریخی است؛ خبرهایی که به خلاف محتوای رسالت، صدق‌پذیر و کذب‌پذیرند و اجتهاد در آنها راه ندارد (شحرور، ۲۰۰۸م، صص ۳۷، ۴۶) و هر چند در عصر نزول نوعی غیب به حساب می‌آیند؛ اما با پیشرفت علمی در زمان‌های بعدی تأویل شده، قابل فهم می‌شوند و البته ممکن است در زمان‌های بعدی خطایش آشکار شود (شحرور، بی تا: ۲۰۹). ویژگی این خبرهای غیبی تکوینی و تاریخی -مانند شکل‌گیری و تطور جنین- عدم امکان شرح آن توسط پیامبر برای معاصرانش است (شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۳)؛ زیرا هم عصران پیامبر توان فهم این گونه اخبار را نداشته‌اند و به همین دلیل مردم عصر نزول وظیفه‌ای جز ایمان به آن و قبول تعبدی‌اش نداشتند (شحرور، بی تا: ۱۳۰-۱۳۱).

یکی از نتایج این دیدگاه، استمرار زمانی و مکانی نبوت بر اساس قاعده ثبات نص و تغییر فهم (یا حرکت محتوا) است که از آن به عنوان قاعده «تشابه» یاد می‌شود (شحرور، ۲۰۰۸م: ۳۰، ۳۵-۳۷؛ شحرور، بی تا: ۱۹۱، ۷۱۳)؛ بر اساس این قاعده، نص قرآن ثابت است و تغییر نمی‌کند، زیرا حقیقت عینی همواره ثابت است، اما فهم و معرفت انسان نسبت به آن متغیر و نسبی است، یعنی در طول زمان، حقایق هستی به تدریج کشف و به تعبیر شحرور، نو به نو و پیوسته تأویل می‌شود (شحرور، بی تا: ۲۰۵، ۳۶۰).

بر اساس دیدگاه شحرور، این قاعده درباره محتوای نبوت جاری است نه محتوای رسالت که باید در مقام عمل مورد توجه قرار گیرد و به روشنی از طریق وحی بیان شده است. البته شحرور با طرح فقه حدودی نوعی تغییر و به تعبیر خودش، نوعی انعطاف در این بخش را نیز پذیرفته است، تا جایی که برای نمونه معتقد است می‌توان با استفاده از علوم روز در مسائل ارث به نتایجی دست یافت که با احکام آن در قرن هشتم میلادی متفاوت باشد (شحرور، ۲۰۰۸م: ۴۴). شحرور گمان می‌کند با این ایده الفت آباتی را کنار نهاده و جهان‌شمولی آیات را از چنگ استبداد معرفتی رها کرده است.

یکی از مبانی فکری شحرور برای طرح قاعده تشابه و متغیر بودن محتوای نبوت با توجه به زمینه‌های معرفتی متغیر انسان‌ها (شحرور، ۲۰۰۸م: ۳۰) آن است که خداوند متعال با علم کلی و مطلقش می‌دانسته است که مخاطبان قرآن کریم تا روز قیامت به دلیل تفاوت زمینه‌های

معرفتی‌شان فهم‌های مختلف خواهند داشت و به همین دلیل به گونه‌ای نص را تنظیم کرده است که این ویژگی را برتابد. پیش‌فرض این بیان، تأثیر آگاهانه یا ناآگاهانه پیش‌فرض‌های ذهنی در فهم متن است؛ پیش‌فرض‌هایی که خود تحت تأثیر معارف دیگر متغیر و نسبی‌اند. بر اساس اندیشه شحرور، روایت نبوی «بلغوا عنی ولو آیه فرب سامع أوعی من مبلغ»، آگاهی مخاطب قرآن در قرن ۲۱ بیش از فهم معاصران نبی و حتی بیش از فهم خود پیامبر است (شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۳، ۸۶).

از نظر شحرور، عدم شرح اخبار غیبی توسط نبی و اکتفای وی به بیان منطوقی آنها دلیل اثبات مقام نبوت پیامبر برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و همه افراد بشر تا روز قیامت می‌توانند متناسب با زمان و دانش خود از قرآن بهره ببرند (شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۶؛ شحرور، بی‌تا: ۲۰۹). از مجموع سخنان شحرور به دست می‌آید که گستره دین در مقام نبوت که مربوط به محتوای قرآن، سبع مثنای و حروف مقطعه است (شحرور، ۲۰۰۸م: ۴۵؛ شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۳-۸۴) دارای گستره حداکثری است.

۳.۳. گستره دین در مقام رسالت

سومین و بالاترین مقام پیامبر، مقام رسالت است که در آن، آیات ام‌الکتاب و تفصیل آن را از خداوند متعال دریافت کرده است. ویژگی این دسته از آیات آن است که با اختیار انسان سر و کار دارند و بخلاف قرآن قابل اطاعت و عصیان است. (شحرور، بی‌تا، صص ۱۰۳، ۱۰۵) از دیدگاه شحرور، الهی بودن، خاتم بودن، جهانی بودن، ابدی بودن، و رحمت بودن از ویژگی‌های مقام رسالت است؛ ویژگی‌هایی که این مقام را در جایگاهی ثابت و غیر قابل تغییر قرار می‌دهد و شریعت الهی را برای همه زمان‌ها و مکان‌ها معتبر و جاری می‌داند (ر.ک: شحرور، ۲۰۱۴م: ۹۹، ۱۰۷؛ شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۹).

از نظر شحرور، آیات رسالت بخشی از کتاب به شمار می‌رود و به نوبه خود دو بخش دارد: بخش اول ام‌الکتاب؛ این بخش اجتهادناپذیر و دارای نص و محتوای ثابت، به لحاظ محتوایی درباره موضوعاتی مانند محرمات، اوامر و نواهی، حدود، شعائر و ارزش‌هاست و دربردارنده نوزده آیه محکم کتاب است (سایت رسمی محمد شحرور، ۱۴ تیر ۱۳۹۹؛ شحرور، ۲۰۱۵م: ۱۷۴).

مسائل ام‌الکتاب برای همیشه معتبر است و قابل تغییر نیست. بخش دوم، تفصیل ام‌الکتاب است، این بخش، تفصیل آیات بخش اول است که بدون در نظر گرفتن تکرار آیات ۹۹۳ آیه است (اعراف: ۵۲). شحرور مدعی است شمار این آیات برای اولین بار در تاریخ رسالت محمدی به پژوهش به دست آمده است و این شمار اصلاح‌پذیر است.

با توضیح مزبور می‌توان گفت محتوای رسالت امور اجتماعی و شرعی مانند اخلاق و تقوا است؛ باید و نبایدها و هنجارهایی که ممکن است اطاعت شود و یا بدان‌ها عمل نشود. (شحرور، بی‌تا: ۱۰۴-۱۰۵، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۳۶، ۲۱۴، ۳۲۵، ۳۶۰)

از منظر شحرور، آیات رسالت از محکمت‌اند و اگر نتوانند با تغییرات زمان و مکان از طریق اجتهاد انعطاف داشته باشند شایسته هر زمان و مکان نخواهند بود (شحرور، ۲۰۰۸م: ۳۷-۳۸). شحرور با استناد به برخی آیات قرآن کریم (بقره: ۱۵۹؛ مائده: ۱۵) وظیفه رسول را بیان - و نه شرح- تنزیل حکیم یعنی اعلام وحی و پرهیز از اخفاء و کتمان آن دانسته است. (شحرور، ۲۰۰۸م: ۴۲-۴۳؛ شحرور، ۲۰۱۶م: ۹۲-۹۳) به گفته شحرور، رسول این وظیفه را به بهترین وجه انجام داده است و وظیفه مردم تفکر در آیات بیان شده توسط رسول است (شحرور، ۲۰۰۸م: ۴۳ و ۲۸۹-۲۹۰).

از توضیح شحرور درباره مقام رسالت می‌توان گستره این بخش از دین را از یک نظر محدود دانست؛ زیرا پیامبر در این مقام تنها به ابلاغ وحی دریافتی در موضوع‌های مربوط به رسالت می‌پردازد. با توجه به اینکه شحرور عصمت تکوینی رسول را انکار می‌کند می‌توان گستره دین در حوزه سنت را هم بسیار محدود دانست. وی به صراحت می‌گوید: «لم یکن معصوماً فی کلّ شیء» (شحرور، ۲۰۱۶م: ۹۳) در عین حال، با توجه به ویژگی‌های مقام رسالت از منظری دیگر می‌توان گستره عام زمانی و مکانی را به شرح زیر برای مقام رسالت قائل شد:

تا اینجا گستره تنزیل حکیم با استفاده از اصطلاح‌شناسی ویژه شحرور تبیین شد. اینک برای

تکمیل بحث به تبیین گستره سنت از دیدگاه شحرور می‌پردازیم:

۳،۴. گستره دین در حوزه سنت

قبل از پرداختن به گستره دین در سنت آشنایی با معنای سنت در اصطلاح رایج و نزد شحرور ضروری می‌نماید. به گفته شحرور، فقها سنت را این گونه تعریف کرده‌اند: هر چه - غیر از قرآن - از پیامبر صادر شود و بتواند دلیل حکم شرعی باشد، خواه قول باشد، فعل یا تقریر. (العظمه و همکاران، ۱۹۹۵م: ۵۷) به اعتقاد او، با توجه به جاودانگی گستره رسالت (اعراف: ۱۵۸) و ارائه شدن تعریف مزبور از سنت توسط مردم و نه از سوی خداوند متعال یا خود پیامبر، می‌توان با گذشت زمان در آن تعریف تجدید نظر کرد. (العظمه و همکاران، ۱۹۹۵م: ۵۷؛ شحرور، بی‌تا: ۵۴۸)؛ بنا بر این، سنت به معنای یاد شده تابع امور زمان‌مند و تاریخ حیات پیامبر اسلام است. شحرور ابتدا با ذکر معنای لغوی سنت که به معنای آسانی و جریان آسان و نیز به معنای راه و روش است، آن را در اصطلاح به معنای راهی در سبک زندگی می‌داند که به آسانی متداول شده و در جامعه بر آن اساس عمل می‌شود (شحرور، ۲۰۱۶م: ۹۸).

از نظر شحرور مآل سنت تغییر و تبدل است که خداوند در کتابش نه تنها هرگز به ثبات آن تصریح نکرده است بلکه بر عکس، آن را مستمر و متغیر دانسته است. (همان) او برای اثبات سخن خود به آیاتی از قرآن کریم استناد کرده است (انفال: ۳۸؛ حجر: ۱۳؛ کهف: ۵۵؛ احزاب: ۳۸؛ آل عمران: ۱۳۷؛ نساء: ۲۶). از نظر او این آیات تصریح دارند که سنت ابدی نیست و تغییر و «تسنه» (بقره: ۲۵۹) مهمترین صفت سنت است (شحرور، ۲۰۱۶م: ۹۹-۱۰۰).

شحرور هر تعریفی را از سنت ارائه دهد (شحرور، بی‌تا، ص ۵۴۹) گرفتار اشکال پیش‌گفته توسط خود او خواهد شد و بر اساس مبنای او نمی‌توان تعریفش را معتبر و برای دیگران قابل پذیرش دانست.

از نظر شحرور ویژگی‌های مقام نبوت تنها در زمان حیات پیامبر جاری است و با وفات وی پایان می‌یابد. (شحرور، ۲۰۱۶م: ۸۹-۹۲) اجتهادات پیامبر و تصمیم‌های وی در زمان حیاتش به عنوان ولی امر و حاکم برتر یک جامعه صورت پذیرفته و اطاعت از آنها تنها برای افراد همان جامعه لازم است. لزوم پیروی افراد جامعه هم عصر پیامبر از تصمیم‌های وی (شحرور، ۲۰۱۴م:

۳۷۸) به این دلیل است که تصمیم‌های مزبور، قانونی مدنی است که برای تنظیم جامعه مشخصی وضع شده است؛ پس، قوانین مزبور و لزوم اطاعت از سیاست نبوی به غیر جامعه نبوی قابل سرایت نیست (شحرور، ۲۰۱۶م: ۹۰؛ شحرور، ۲۰۱۴م: ۱۳۲ و ۳۰۳)؛ بر اساس فهم شحرور، تعبیر ایتاء در آیه ۷ سوره حشر (مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ) نشان می‌دهد اجتهادات انسانی پیامبر برخاسته از اندیشه اوست و ارتباطی با وحی ندارد؛ از این رو، اطاعت از آنها نیز ویژه معاصران پیامبر و در زمان حیات ایشان است، همچنان که اطاعت از تشریعات اولوا الامر (نساء: ۵۹) در هر زمان این گونه است (شحرور، ۲۰۱۶م: ۱۰۴-۱۰۶).

بر اساس این تفکر، سنت اساسا جزء دین نیست تا در قلمرو دین از آن بحث شود؛ بنا بر این، گستره دین در بخش سنت حداقلی است زیرا او با مبنای خود ساخته بخش مهمی از گزاره های دینی را امری تاریخی انگاشته است که ثمره آن عدم توسعه مفاد آن به غیر معاصران نبی است.

شحرور پایه و اساس دین را تنزیل حکیم دانسته، نهی پیامبر از تدوین احادیثش را برای تأکید بر همین نکته دانسته است. او خبرهای واحد را جزء دین نمی‌داند؛ زیرا معتقد است اگر این گونه اخبار برای عموم مردم اهمیت داشت پیامبر آن را برای همه ابلاغ می‌کرد نه برای یک یا دو نفر (همان: ۵۸-۶۰). افزون بر این، به گفته شحرور، رسول اجازه نمی‌داد تصمیم‌هایش در تشریح و قانون گذاری تدوین شود؛ زیرا تصمیم‌های وی بر اساس شرایط تاریخ معین و برای جامعه‌ای خاص اتخاذ شده است و به خلاف فهم فقها و محدثان، ازلی و ابدی نیست، و گرنه در تشریح، شریک خداوند می‌شد (همان: ۶۷).

وی درباره گستره موضوعی، زمانی و مکانی احادیث اعتقاد دارد که اگر حکم شرعی وارد شده در یک روایت را نتوان در قرآن کریم یافت باید به نسبی بودن آن قائل شد و آن حکم را ویژه زمان و مکان خاصی دانست (شحرور، بی‌تا: ۵۷۲).

با توجه به تفکیک مقام‌های پیامبر از سوی شحرور، می‌توان سنت را از منظر او به سه دسته سنت رجلیت، سنت نبوت و سنت رسالت تقسیم کرد و با توجه به مقدمات پیشین به روشنی به این نتیجه دست یافت که شحرور هیچ فقه و شرعی را بر پایه رفتارهای پیامبر در مقام رجلیت

بناشدنی نمی‌داند (العظمه و همکاران، ۱۹۹۵م: ۶۱-۶۳). اطاعت از پیامبر در حوزه سنت نبوی نیز بی‌معناست؛ زیرا محتوای آن از امور اعتقادی و تکوینی است (همان: ۶۲). اما احادیث رسالت، خود بر دو قسم است:

الف) با ویژگی اطاعت متصل: اطاعت متصل (آل عمران: ۳۲) بیانگر آن است که اطاعت رسول کاملاً مانند اطاعت خداوند است. از آنجا که خداوند جاودانه است اطاعت از رسول نیز در زمان حیات و بعد از وفات او لازم است (العظمه و همکاران، ۱۹۹۵م: ۶۲).

ب) با ویژگی طاعت منفصل: شحورر تکرار اطیعوا در آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول (نساء، ۵۹) را نشانه متفاوت بودن اطاعت رسول از اطاعت خداوند می‌داند و آن را اطاعت منفصل می‌نامد. این اطاعت فقط در زمان حیات پیامبر به عنوان مؤسس دولت و رهبر جامعه لازم است.

۵.۳. گستره دین با توجه به پویایی دین و اجتهاد

شحورر اعتقاد به مبدئی ثابت را شرک می‌داند؛ بنا بر این، کسی که در اندیشه‌اش تغییر نیست و نسبت به پیشرفت ایستاست مشرک است. پس، باقی ماندن بر اندیشه‌های آبائی و عدم تغییر در آن نوعی شرک به حساب می‌آید (سایت رسمی محمد شحورر، ۱۴ تیر ۱۳۹۹).

رسالت محمدی پایان نسخ رسالت‌های الهی و شروع تشریح انسان در نهادهای قانون‌گذاری بر اساس پیشرفت تاریخ و شرایط عینی جوامع است؛ قوانینی که بر اساس اجتهاد در تفصیل ام‌الکتاب صورت می‌پذیرد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در زمان خویش قوانین مدنی متناسب با شرایط زمانی و مکانی را تنظیم کرد. این گونه قوانین که با محتوای رسالت مخالف نیست در دوران پس از پیامبر لزوماً تغییر می‌کند (سایت رسمی محمد شحورر، ۱۴ تیر ۱۳۹۹)، هر چند برای تغییرات مزبور حدودی وجود دارد و از چارچوب تنزیل حکیم تخطی نمی‌شود. با این توضیح، هر چند محتوای رسالت به لحاظ نص تغییر نمی‌کند و همیشگی است، قابل اجتهاد مستمر است و از آنها در هر زمانی بر اساس شرایط زمانه بهره گرفته می‌شود.

به اعتقاد شحورر «حنیفیت» (روم: ۳۰)، ویژگی جهانی بودن رسالت الهی است و بر اساس آن، تشریحات انسان همگام با تغییرات زمان و مکان پیش می‌رود و نشانه رحمت الهی برای

جهانیان است (انبیاء: ۱۰۷). در میان حقایق عینی تنها خداوند متعال ثابت است و در تشریح، فقط ۱۴ حرام در رسالت محمدی از سوی خداوند متعال به انسان ابلاغ شده است (ر.ک: شحرور، ۲۰۱۵م: ۲۵۱-۳۲۹). این ویژگی مجوز کثرت‌گرایی به همه انواع آن است و وحدت‌گرایی خلاف حنیفیت و ضد فطرت به حساب می‌آید. از این رو، تحمیل وحدت‌گرایی بر یک جامعه باعث سکون و عقب‌ماندگی است (سایت رسمی محمد شحرور، ۱۴ تیر ۱۳۹۹).

شحرور با ایده‌هایی که درباره ثابت و متغیر در دین بیان کرده است نشان می‌دهد از سنت‌گرایی و پابرجایی بر اندیشه متفکران مسلمان پیشین دوری می‌کند و آن را دلیل عقب‌ماندگی مسلمانان دانسته است. به همین دلیل می‌کوشد در امور تکوینی به شیوه‌ای و در امور تشریحی به شیوه‌ای دیگر با جهان مدرن همراه شود و گستره دین را آنقدر وسیع در نظر می‌گیرد که چه در بخش تکوین و چه در بخش تشریح تا روز قیامت امتداد می‌یابد.

۴. نقد و بررسی

در مقام بررسی دیدگاه شحرور درباره گستره دین مهمترین ادعاهای وی را کانون توجه قرار می‌دهیم و با توجه به تحلیلی که از دیدگاه‌های او ارائه شد آنها را نقد می‌کنیم. گفتنی است برخی نقدها ناشی از تعارض اندیشه شحرور با مبانی اعتقادی مسلم در میان مسلمانان است و برخی برخاسته از مبانی بر ساخته او و پیش فرض‌های فکری خاص اوست. مهمترین نقدها به ترتیب اهمیت بدین شرح است:

۴.۱. عدم توجه به رسالت انبیاء

انبیاء الهی برای چه هدفی مبعوث شدند و دین به چه منظور برای بشر آمده است؟ محتوای قرآن طبق اصطلاح شحرور چه ارتباطی با سعادت انسان دارد؟ آیا انبیاء الهی برای کشف حقایق طبیعی هستی آمده‌اند؟ در مقاله‌ای دیگر نشان داده‌ایم که هدف اصلی دین با توجه به رسالت انبیاء الهی چیست و دین با علوم طبیعی چه رابطه‌ای دارد. (محیطی اردکان، ۱۳۹۶) علم زدگی از آفات پژوهش در علوم انسانی است که دیدگاه‌های شحرور متأثر از آن است. هدف علم کشف واقع به صورت مطلق است، خواه تجربی باشد یا غیر تجربی. تکیه بر داده‌های علوم طبیعی و تحت تأثیر

قرار گرفتن تفسیر دین از آن نادرست است و خلاف حق محوری در مقام دین پژوهی است. به گفته شهید مطهری اندیشمند معاصر، «درهیچ دوره‌ای به اندازه دوره ما علم اسیر و برده نشده است. اسم این دوره را نباید عصر علم گذاشت باید عصر بردگی علم گذاشت... در تمام دوره های گذشته، علم از این دوره آزادتر بوده است» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۴۷).

۴.۲. ناسازگاری دیدگاه شحرور با اصل هدایت الهی

به نظر می‌رسد مهمترین مسئله‌ای که شحرور را به طرح قاعده تشابه کشانده است این است که از یک سو به خاتمیت پیامبر و جاودانگی دین معتقد شده است و باید دین را فرا زمانی و فرا مکانی تبیین کند و از سوی دیگر، متن تنزیل حکیم ثابت است و در زمان و مکان خاصی نازل شده است. به عبارت دیگر، پیامبر با متن فرابشری ثابت قصد دارد مایه هدایت بشریت در زمان‌ها و مکان‌های متغیر باشد. او چاره را در این دیده است که متن را ثابت و محتوا و فهم را متغیر و نسبی بداند. بدینسان، هر چند به راه حلی برای مسئله مزبور دست یافته است؛ اما با ارائه آن، اصل هدایت الهی از طریق قرآن کریم را زیر سؤال برده است؛ زیرا بر اساس دیدگاه او، فهم قرآن به مرور زمان و با دستاوردهای علمی اندیشمندان علوم طبیعی میسر خواهد بود. در این صورت، باید به این سؤال پاسخ دهد که چرا خداوند متعال، آیات را در عصر پیامبر خاتم نازل کرد؟ و چرا باید مردم عصر نزول و حتی خود پیامبر از فهم برخی آیات محروم بمانند؟ و چرا خداوند متعال آیات متعددی را بر پیامبر و برای بشریت در عصری نازل کند که توان فهم اصل آن آیات در آن زمان وجود ندارد؟ اگر مردم عصر نزول هیچ برداشتی از آیات مزبور نداشته باشند و یا برداشتی متفاوت از برداشت زمان‌های دیگر داشته باشند، نزول چنین آیه‌هایی لغو و خلاف اصل هدایت الهی نیست؟

قرآن کریم برای این نازل نشده است که هر فهمی از آن را در هر زمان و مکانی برتابد و اصل آن با پیشرفت علمی فهم شود و بالتبع آموزه‌های دینی استنباط شده از آن دائماً در تغییر باشد؛ بلکه بر عکس، انسان در هر زمان و مکانی که باشد باید بکوشد مقصود خداوند متعال را از رهنمودهای قرآن کریم دریابد تا به هدف هدایت و سعادت ابدی برسد: **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** (اسراء، ۹) ... این که چنین انگاشته شود که خاصیت زمان آن است که همه چیز حتی

حقایق جهان را نیز فرسوده و کهنه نماید درست نیست. ... آیا می‌توان پذیرفت که جدول فیثاغورث به حکم اینکه بیش از دو هزار سال از عمرش می‌گذرد کهنه شده است؟ (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۲۴)

۴،۳. نقد جایگاه ضعیف سنت در گستره دین

عمده‌ترین تکیه‌گاه شحرور در حوزه معرفت‌شناسی دینی بر عقل و نقل است؛ اما سنت پیامبر در این دو منبع اساسی دین نقشی ندارند؛ زیرا بر اساس مبانی فکری شحرور عقل پیامبر بر دیگر عقول برتری ندارد، سنت پیامبر نیز هر چند به صورت حداقلی در برخی موارد لزوم اطاعت می‌آورد، اما در فهم قرآن نقشی ندارد، مگر آنکه با حقایق هستی مطابق باشد. در این صورت، هر چند گفتار پیامبر قابل پذیرش است؛ اما در واقع، گفته پیامبر در پذیرش مزبور موضوعیت ندارد. به نظر می‌رسد شحرور برای رهایی از مسئله چگونگی جریان سنت نبوی در زمان‌های پس از پیامبر تا قیامت و -به اعتقاد او- رهایی از جمود و عقب‌ماندگی، چاره را در رویکرد حداقلی به حجیت سنت نبوی دیده است.

به اعتقاد شحرور پیامبر اصرار داشت محتوای وحی تدوین شود و در عین حال اصرار می‌کرد گفتار شخصی او تدوین نشود، زیرا فقط خداوند حی مطلق است؛ اما او نبی و البته انسان است (شحرور، بی‌تا: ۲۰۹). در اینجا با صرف نظر از نادرستی اسناد اصرار پیامبر بر عدم کتابت گفتار ایشان، می‌توان از شحرور درباره حجیت همین کار پیامبر پرسید. از این رو انکار حجیت سنت جز با استناد به آن امکان‌پذیر نیست. از عبارات او می‌توان اینگونه برداشت کرد که سنت نبوی همانند فهم مفسران از قرآن کریم، تنها ارزش تاریخی دارد و به عقیده شحرور با این خوانش از سنت می‌توان به صلاحیت اسلام برای هر زمان و مکان قائل شد (شحرور، بی‌تا: ۲۰۹).

این دیدگاه نه تنها درباره پیامبر اسلام، بلکه درباره مفسران نیز نادرست است، زیرا فهم ایشان بر اساس ضوابط است و هرچند ممکن است گاه خطایی در فهم ایشان رخ دهد؛ اما لزوماً این گونه نیست، همچنان که فهم خود شحرور نیز نمی‌بایست از این قاعده مستثنا باشد. اگر فهم اندیشمندی بر اساس واقع باشد، مرور زمان نقشی در ارزش معرفت‌شناختی فهم مزبور نخواهد داشت و اگر فهمی روشمند نبوده، با واقع مطابق نباشد هیچگاه قابل اعتماد نخواهد بود. البته در

تحلیلی دقیق تر اساساً علم پیامبر از نوع علم حصولی و بشری نیست که تفسیرش بشری و احتمال خطا در آن برود، بلکه بنا بر نص قرآن کریم (نحل، ۳-۴) علم حضرت علمی است که منشأ و حیانی دارد و در آن خطایی نیست.

از آیات قرآن مجید به دست می‌آید که علاوه بر وحی قرآنی، گونه دیگری از وحی وجود دارد که وحی بیانی و برای تبیین آیات قرآن مجید است. منظور از این نوع وحی آن است که تفسیر و تبیین قرآن یا بسیاری از آموزه‌های دینی به پیامبر اعلام می‌شده است. آموزش نماز و وضو به پیامبر به وسیله جبرئیل از این گونه است (ابن هشام، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۲۶۰). شحرور به این نوع وحی در مسئله نماز و زکات اذعان دارد (شحرور، ۲۰۱۶: ۱۱۲).

هر چند استناد شحرور به آیه ۵۶ سوره نور ثابت کننده لزوم پیروی از دستورات پیامبر در چگونگی انجام و پرداخت نماز است؛ اما این پیروی به مورد خاص آورده شده در آیه مقید نشده است بلکه بر اساس این آیه اطاعت از رسول، مطلق است و اختصاص به مورد خاصی ندارد، و گرنه آن مورد و یا موارد خاص در آیه ذکر می‌شد و یا توسط پیامبر بیان می‌شد؛ بر این مبنا دین شامل سنت پیامبر نیز می‌شود.

انگونه که مفسران با استناد به شواهد لغوی و روایی توضیح داده‌اند، منظور از تعلیم مواردی که در آیه ۱۵۱ سوره بقره «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» آمده است، تبیین اصول و فروع دین به همراه جزئیات آنهاست و صرفاً ابلاغ آیات نیست (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۲۳-۳۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۲۶۰؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۱: ۲۶۸؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۰؛ ماوردی، بی تا، ج ۱: ۲۰۸؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۲۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۳۳۰). این امر به صراحت به گستره دین در حوزه سنت دلالت دارد و بر خلاف اندیشه شحرور است. بی تردید برخی آیات قرآن کریم به دلیل کلی بودن و یا مجمل بودن نیازمند توضیح و تفصیل است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰: ۱۰۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۳۹۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۸-۳۹). گرچه آیات مجمل بیشتر در حوزه احکام شرعی است چرا که کیفیت آنها به صورت آشکار بیان نشده است، اما این دسته از آیات تنها محدود به حوزه احکام و دستورات شرعی نیست بلکه آیات اعتقادی و معرفتی را نیز شامل می‌شود. آیات ۲ سوره

فجر، ۸۲ سوره نمل، ۱۴ سوره نجم، ۴۶ سوره الرحمن نمونه‌هایی از این موارد است.

۴،۴. قابل قبول نبودن استثنایات مبتنی بر مقام‌های سه‌گانه پیامبر

یکسان‌انگاری پیامبر با دیگر انسان‌ها در شئون مربوط به رجلیت، نبوت و رسالت قابل پذیرش نیست و نمی‌توان با طرح چنین تقسیمی ارزش اجتهادات نبوی بنا بر تعبیر شحرور و سخنان دارای منشأ وحیانی و لزوم اطاعت مطلق از فرامین پیامبر را نادیده گرفت؛ زیرا در این صورت با نص قرآن کریم مبنی بر پیروی از پیامبر مخالفت شده است (حشر: ۷). در قرآن کریم اطاعت از رسول در کنار اطاعت خداوند متعال آمده است و همان گونه که به اطاعت از خداوند متعال امر شده است، به اطاعت از رسول نیز دستور داده شده است (آل عمران: ۳۲، ۱۳۲). افزون بر این، یکی از لوازم ایمان به خدا و رسول آن است که هنگام نزاع از پیامبر داوری خواسته شود (نساء: ۵۹) و بالطبع باید اجتهاد و یا سخن حضرتش، فصل الخطاب قرار گیرد؛ بنا بر این، فروکاستن از شؤن پیامبر - آن گونه که در آثار شحرور ملاحظه می‌شود - روا نیست. همچنین، محدود کردن ویژگی‌های مقام نبوت به زمان حیات پیامبر نارواست. به راستی، اگر حقیقت همان باشد که شحرور می‌پندارد، چرا نه تنها حتی یک بار در کتاب و یا سنت به این نکته اشاره نشده است؛ بلکه برعکس، آن گونه که بیان شد، به اطاعت از پیامبر به صورت مطلق توصیه شده است؟

به نظر می‌رسد شحورر معتقد است که اگر اطاعت از اولوا الامر برای همیشه لازم باشد، اولوا الامر نیز در این زمینه همانند و شریک خداوند متعال خواهند شد! با توجه به این پیش‌فرض نادرست، پیروی از ایشان تنها در زمان زنده بودنشان لازم است. حقیقت آن است که پیروی از هر کسی غیر از خداوند متعال تنها در صورتی جایز است که به پیروی از خداوند متعال بینجامد و گرنه پیروی از او نه تنها پس از فوت، بلکه هنگام حیات او نیز جایز نخواهد بود و دیگر، نمی‌توان با پیش‌فرض نادرست مزبور به لزوم اطاعت از چنین کسی در زمان حیاتش حکم کرد. افزون بر این، با توجه به اینکه در آیه ۵۹ سوره نساء، امر به اطاعت دو مرتبه، یک بار برای خداوند متعال و بار دیگر برای پیامبر آمده است، می‌توان گفت، معیار هر اطاعتی، از جمله اطاعت از اولوا الامر آن است که فرامینشان با سنت پیامبر خدا و در نتیجه با دستورات الهی مخالف نباشد و این گونه می‌توان جایگاه رفیع سنت نبوی از منظر قرآن کریم را نشان داد.

۴,۵. واضح نبودن ملاک تمایزها و دسته‌بندی‌ها

همان گونه که توضیح داده شد، شحورر میان قرآن و کتاب تفکیک قائل شده است. همچنین آیات کتاب را به آیات نبوت، رسالت و تفصیل کتاب دسته‌بندی کرده است. همچنان که آیات رسالت را نیز به دو دسته آیات ام‌الکتاب و آیات تفصیل ام‌الکتاب تقسیم کرده است. وی با تکیه بر مباحث زبان‌شناختی، دخالت دادن پیش‌فرض‌های ذهنی خود و بدون توجه به فهم عرفی و نیز سیاق آیات، واژگان قرآنی را فهمیده و تفسیر کرده است، در حالی که جای این سؤال باقی است که چه ملاک و معیاری برای تمایزها و دسته‌بندی‌های مزبور وجود دارد؟ اساساً تعاریف نوینی که وی با طرح اقسام مزبور به میان آورده است بر چه مبانی استوار است؟ برای نمونه، آیا می‌توان علی‌رغم تصریح قرآن کریم به وجود دو قسم محکم و متشابه برای آیات (آل عمران: ۷)، قسمی دیگر را نیز به عنوان آیاتی که نه محکم هستند و نه متشابه در نظر گرفت؟! ملاک این تقسیم ثلاثی چیست؟

۴,۶. خروج از فهم متعارف و تخصصی در مبادی تصویری بحث گستره دین

تفسیر شحرور از کلیدواژه‌های بحث، با فهم متعارف عصر نزول و نیز فهم تخصصی متکلمان برجسته اسلامی هماهنگ نیست. به نظر می‌رسد این اشکال به دیدگاه‌های وی در حوزه زبان‌شناسی از جمله انکار مترادف واژه‌های قرآنی مربوط است که در جای خود قابل بحث و بررسی است. به عنوان مثال تعریف او از واژه قرآن معنای متعارف آن نیست. از نظر او قرآن همان محتوای نبوت است و بر اساس این اصطلاح، قرآن در بردارنده قوانین هستی حاکم بر انسان و طبیعت، تاریخ و جوامع است. او برای این جعل اصطلاح خود به صورت ذوقی به استدلال می‌پردازد؛ اما آنچه در میان مفسران اسلامی اعم از شیعه و سنی مورد اتفاق است مراد از قرآن همین کتاب مقدس مسلمانان است (رجوع شود به تفاسیر سنی و شیعه در ذیل آیه ۲۱ بروج) در سایر کلید واژه‌های مرتبط با بحث مانند معنای دین، اسلام، دین اسلام، کتاب، نبوت و رسالت نیز این روش مشاهده می‌شود.

۴,۷. نادرستی رویکرد تاریخی هرمنوتیکی در فهم دین

قاعده ثبات نص و تغییر فهم برآمده از قرائت عصری و ایدئولوژیک شحرور نسبت به متون دینی و مبتنی بر پیش‌فرض‌های قابل مناقشه است. این گونه نیست که اندیشه نو لزوماً درست و اندیشه آبائی لزوماً نادرست باشد. درستی و نادرستی یک اندیشه را باید با میزان و معیار معرفت‌شناختی صحیح تعیین کرد؛ بنا بر این، نمی‌توان تغییر فهم را لزوماً نشانه درستی آن دانست. تأکید شحرور بر تفکیک متن از فهم متن، مفسر محوری در تفسیر متن و نقش و تأثیر جامعه، زمانه، پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌ها در فرایند فهم، دیدگاه او را به هرمنوتیک گادامری و نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت نزدیک می‌کند.

صرف نظر از اشکال‌های وارد بر دیدگاه مفسر محوری در تفسیر متون و ضرورت التزام به دیدگاه خاتمیت پیامبر اسلام، ادعای پیشرفت فهم هستی در پهنه زمان، آن هم به صورت مطلق صحیح نیست. در ضمن، استناد شحرور به روایت «بلغوا عنی ولو آیه فرب سامع أوعی من مبلغ» برای تبیین این نکته که آگاهی مخاطب قرآن در قرن ۲۱ بیش از فهم معاصران نبی است، درست نیست، زیرا حتی اگر روایت به این صورت که شحرور نقل کرده است در منابع فریقین یافت شود،

می‌تواند بر اساس نقل صحیحش بدین معنا باشد که ضرورتی ندارد روایان احادیث به عمق کلام پیامبر پی برده باشند تا آن را نقل کنند بلکه سخنان پیامبر هر چند کوتاه و کم (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۰) باشد باید به دیگران رسانده شود تا آنها نیز از علم گسترده پیامبر بهره ببرند.

۴،۸. عدم توجه به روش‌شناسی فهم آیات

به نظر می‌رسد فهم شحور از دست کم برخی آیات قرآن کریم به دلیل رعایت نشدن روش فهم صحیح آنها با اشکال روبروست. در این میان، تأثیر پیش‌فرض‌های ذهنی نادرست بر روند تفسیر و عدم توجه به سیاق آیات بیشترین درصد خطا را به خود اختصاص داده است. آثار معرفتی گسترده این خطا به حوزه‌های مختلف فکری، از جمله کلام و فلسفه دین از منظر شحور سرایت کرده است. محض نمونه، شحور آیه لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ (انعام: ۶۷) را بدون توجه به سیاق آیات و بر اساس پیش‌ساخته ذهن خود تفسیر کرده است. دقت در سیاق آیات ۶۵-۷۰ سوره انعام نشان می‌دهد که این آیات درباره وعید الهی به عذاب است (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۱۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷: ۱۳۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۱۴۷) در آیات پیشین، قدرت خداوند بر عذاب کردن مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این آیات می‌توان منظور از آیه استقرار نبأ را این دانست که هر چند خداوند می‌تواند بر کفار لجوج عذاب نازل کند، اما نباید منتظر عذاب زود هنگام بود، بلکه خبر وعید الهی زمانی دارد که با فرا رسیدن آن محقق خواهد شد. از جمله شواهد این تفسیر روایاتی است که زمان و مصداق عذاب مزبور را مشخص کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۱۴۷؛ طبری، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۸۸) هر چند عذاب الهی منحصر در این گونه مصادیق نیست.

با توجه به دیدگاه شحور مبنی بر تاریخ‌مندی نص قرآن، او در فهم آیات دچار تفسیر به رأی شده است. منشأ اشکال آن است که از یک سو قائل است که آیه تاریخی است و از سوی دیگر می‌خواهد ثابت کند که احکام الهی تا قیامت استمرار دارد. به عنوان نمونه او معنای آیه «أَوْ مَا مَلَكَتُ أَيْمَانُهُنَّ» (نور: ۳۱) را با توجه مصداق نداشتن نظام برده داری در تمام نقاط جهان، از نظر تاریخی نیز منسوخ می‌داند و سخن از مدلول تاریخی آن را بی‌معنا قلمداد می‌کند. این در صورتی که رسالت محمدی برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست (شحور، ۲۰۰: ۳۶۹) و برای حل این مشکل

مسئله «ازدواج مسیار» را بر آیه یاد شده تطبیق می دهد؛ اما برای این تطبیق هیچ شاهد قرآنی ندارد و تنها برای این که معنای آیه منسوخ نشود و به بیان دیگر مصداق آن تنها در زمان پیامبر نباشد به این تفسیر روی آورده است.

۴,۹. نقد فقه حدودی

ارائه یک نظریه جدید در صورتی می تواند مورد اقبال جامعه علمی قرار گیرد که با اصول فهم تخصصی یک رشته علمی ناسازگار نباشد. چگونه می توان فتاوی فقهای بزرگ اسلام در طول قرن ها را کنار گذاشت و تنها به ۱۴ حرام فتوا داد؟ درست است که فقها در فهم خویش از کتاب و سنت معصوم نیستند؛ اما نمی توان دست کم فهم مشترک همه ایشان را در همه موارد نادرست دانست و بدون توجه به اصول فهم دین قرآنی جدید از آن را ارائه داد. بی تردید پایبندی به اصول و قواعد منطقی فهم دین و ارائه صحیح آن می تواند جویندگان حقیقت را قانع کند و به پرسش-های روز پاسخ دهد. شحرور باید به این سؤال پاسخ دهد که اگر احکام الهی مطابق با فطرت انسان است، چگونه می تواند بر اساس شرایط تغییر کند؟ آیا نظریه حدودی با تغییرناپذیری فطرت انسان سازگار است؟ بنا بر این، با مبنای فقه حدودی نمی توان به توسعه صحیح در قلمرو دین که همان اجتهاد غیرضابطه بند باشد رسید.

پویایی فقه اسلامی در پاسخ گویی به مسائل جدید علیرغم پایبندی به قوانین ثابت اسلام، می تواند دغدغه شحرور را پاسخ دهد بدون این که نیاز به روی آوردن به اجتهاد ذوقی و بدون ضابطه باشیم. غنای فقه تشیع به دلیل اتصال به منابع غنی روایی اهل بیت (علیهم السلام) و انعطاف آن در رویارویی با مسائل جدید نشان دهنده غنای فقه تشیع است و روی آوردن به فقه حدودی از لوازم بهره مند نبودن از چنین فقه پویایی است. به فرموده شهید مطهری: «از آغاز طلوع اسلام تا قرن هفتم و هشتم که تمدن اسلامی در حال توسعه بود و هر روز مسائل جدید خلق می کرد، فقه اسلامی بدون استمداد از هیچ منبع دیگر وظیفه خطیر خویش را انجام داده است. در قرون اخیر بی توجهی مسئولین امور اسلامی از یک طرف و دهشت زدگی در مقابل غرب از طرف دیگر، موجب شد که این توهّم پیش آید که قوانین اسلامی برای عصر جدید نارساست» (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۲۴).

۴,۱۰. نقد تکثرگرایی دینی

هر چند ایمان به همه انبیاء الهی و درستی آموزه‌های وحیانی ادیان آسمانی مورد پذیرش است؛ اما بر اساس مبانی اعتقادی صحیح، با ختم نبوت و رسالت نمی‌توان پیروان ادیان دیگر را در زمان حاضر مسلمان واقعی دانست. اسلام به معنای تسلیم شدن در برابر دین حق است که در زمان حاضر تنها اسلام محمدی است. از آنجا که در دیگر پژوهش‌ها پیشینه، مبانی و ادله این دیدگاه به تفصیل بررسی و نقد شده است، از تکرار آن می‌پرهیزیم (برای نمونه ر.ک: حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۳۴)؛ بنا بر این، توسعه شحور در معنای دین و اسلام و بالتبع توسعه در قلمرو دین از این لحاظ و بدین معنا صحیح نیست.

نتیجه گیری

جای هیچگونه تعجب نیست که کسی اندیشه شحرور را دینی جدید و یا تقریری نوین از دین در عصر مدرن بداند. او که دایره دین را هر چند در پهنه زمان و مکان تا روز قیامت گسترده می‌داند، خوانشی جدید از قرآن کریم و سنت دارد. او با بهره‌گیری از اصطلاحات جدید از فهم متعارف در رشته‌های تخصصی علمی مانند تفسیر، کلام و فقه فاصله گرفته است. به نظر می‌رسد با تحلیلی معرفت‌شناختی، گستره وسیع دین از منظر شحرور نه به دلیل ویژگی خود دین، بلکه به دلیل همگانی بودن منابع معرفتی مانند عقل و تجربه در درک حقایق جهان هستی است. اساساً تفسیر او از قرآن و سنت مانعی جدی برای پذیرفتن فرازمانی و فرامکانی بودن دین به معنای حقیقی‌اش قلمداد می‌شود. شحرور بیشتر به دنبال نشان دادن سازوکاری دین با ارزش‌های پذیرفته شده در جهان معاصر و بلکه در هر جهان ممکن است. به همین دلیل است که قاعده تشابه و نظریه حدودی به خوبی می‌تواند گستره دین از منظر او را تبیین کند. انعکاس پیش‌فرض مزبور در دیدگاه‌های وی به اندازه‌ای است که سنت را در جایگاه ضعیفی قرار داده است و تحت تأثیر آن، نصوص قرآن مبنی بر لزوم اطاعت از پیامبر، الگو بودن ایشان و... نادیده انگاشته می‌شود. بنابراین، هر چند به گستره وسیع موضوعی، زمانی و مکانی دین قائل بوده و به ظاهر، در نتیجه با دیدگاه شحرور موافقیم، اما دیدگاه وی در حوزه گستره دین بر مبادی تصویری و تصدیقی غیر قابل قبول بنانهاده شده است و از این جهت قابل نقد است. عدم توجه به رسالت پیامبران، ناسازگاری دیدگاه شحرور درباره قلمرو دین با اصل هدایت الهی، جایگاه ضعیف سنت در گستره دین، نادرست بودن استنتاجات مبتنی بر مقام‌های سه‌گانه پیامبر، واضح نبودن ملاک تمایزها و دسته‌بندی‌ها، خروج از فهم متعارف و تخصصی در مبادی تصویری، نادرستی رویکرد تاریخی هرمنوتیکی در فهم دین، عدم توجه به روش‌شناسی فهم آیات، نادرستی مبنای فقه حدودی، و نادرستی تکثرگرایی دینی از جمله نقاط ضعف دیدگاه شحرور در تبیین گستره دین به شمار می‌رود.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، لبنان- بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

حسین زاده، محمد، (۱۳۹۳)؛ مبانى معرفت دینی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

شحرور، محمد؛ (۱۳۹۹)؛ دلیل المصطلحات الواردة فی التنزیل الحکیم. بازیابی شده در ۱۴ تیر ۱۳۹۹، از https://shahrour.org/?page_id=12.

_____، (۱۹۹۶م)، دراسات اسلامیه معاصره (۳)؛ الإسلام والإیمان؛ منظومه القيم. دمشق: الأهالی.

_____، (۲۰۰۸م)، دراسات اسلامیه معاصره (۵)؛ تجفیف منابع الإرهاب، دمشق: الأهالی.

_____، (۲۰۱۲م)، السنه الرسوليّه و السنه النبويه. بیروت: دارالساقی.

_____، (۲۰۱۴م)، الدین والسلطه؛ قراءه معاصره للحاکمیه، بیروت: دارالساقی.

_____، (۲۰۱۵م)، ام الكتاب و تفصیلها؛ قراءه معاصره للحاکمیه الإنسانیّه تهافت الفقهاء و المعصومین. بیروت: دارالساقی.

_____، (۲۰۱۶م)، الإسلام و الإنسان من نتائج القراءه المعاصره، بیروت: دارالساقی.

_____، (بی تا)، دراسات اسلامیه معاصره (۱)؛ الكتاب و القرآن رؤیه جدیده، دمشق: الأهالی.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن-اردب، دار الكتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو.

_____، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، تهران، ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.

طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵)، مجمع البحرین. محقق/ مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

العظمه، عزیز؛ عطیه، عاطف؛ ابوزید، نصر حامد؛ فارس، منیر؛ شحرور، محمد؛ اللبوانی، محمد کمال؛ ظاهر، احمد؛ بیضون، احمد؛ حرب، علی؛ حیدر، ابراهیم؛ نویهض، ولید؛ الهاشمی، محمود منقذ؛ و وطنی، ابراهیم. (۱۹۹۵م)، العنف الأصولی، نواب الأرض والسماء. بیروت: ریاض الریس للکتب والنشر.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.

ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

محیطی اردکان، محمد علی، (۱۳۹۶)، رابطه علوم طبیعی و دین از دیدگاه آیت الله مصباح ماهنامه معرفت، ش ۲۴۳، صص ۱۳-۲۶.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، ج ۲۱، قم: صدرا.